



Powers of the Prosecutor of the International Criminal Court in the Prosecution of International Crimes

Abolfath KHaleghi
Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran

Sayed Mohammad Sadegh Hosseini
PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author)

اختیارات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در تعقیب جنایات بین‌المللی

ابوالفتح خالقی
دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
ab-khaleghi@qom.ac.ir

سید محمدصادق حسینی
دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
(نویسنده مسئول)
sadegh_hosseini70@gmail.com

Abstract

Dealing with international crime, preventing it, and achieving international criminal justice require the provision of the necessary powers to prosecute and investigate their perpetrators. The Prosecutor of the Court is responsible for prosecuting and investigating four international crimes, including genocide, crimes against humanity, war crimes and the crime of aggression. In this study, which has been written by descriptive-analytical method and using library resources, the results obtained are that the prosecutor of the court has a duty to consider the rights of victims and defendants, examining cases in accordance with the principle of admissibility of claims, to establish a reasonable basis. N. The prosecutor has the power, after conducting preliminary inquiries into the admissibility, interests of justice or the establishment of a reasonable basis for any prosecution or investigation by the Preliminary Branch of the Court, which has judicial oversight of the prosecution; Decide. The request of the prosecutor together with the necessary documents in order to start the prosecution or investigation of the defendants, despite the judicial independence of the prosecutor's office, will be subject to the approval of the preliminary branch. Once the request is approved, the prosecutor will have the power to conduct preliminary investigations such as gathering evidence, summoning or apprehending the accused, investigating victims, witnesses and informants.

Keywords: Investigation, Prosecution, International Crimes, Prosecutor, International Criminal Court..



چکیده

مقابله با جنایت بین‌المللی، پیشگیری از آن‌ها و تحقق عدالت کیفری بین‌المللی مستلزم پیش‌بینی اختیارات لازم در تعقیب و تحقیق از متهمان آن‌ها است. دادستان دیوان مسئولیت تعقیب و تحقیق جنایات چهارگانه بین‌المللی شامل جنایت نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز سرزمینی را بر عهده دارد. در این تحقیق که به روش تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای نگارش شده است، نتایجی که حاصل می‌شود این است که دادستان دیوان وظیفه دارد تا با ملاحظه حقوق قربانیان و متهمان، با بررسی قضایا مطابق با اصل قابلیت پذیرش ادعاها، وجود مبنای معقول را احراز نماید. دادستان اختیار دارد پس از انجام بررسی‌های مقدماتی نسبت به قابلیت پذیرش، منافع عدالت یا احراز مبنای معقول برای هر گونه اقدام تعقیبی یا تحقیق از شعبه مقدماتی دیوان که نظارت قضایی بر دادسرا دارد؛ تصمیم‌گیری نماید. درخواست دادستان همراه با مستندات لازم به منظور شروع به تعقیب یا تحقیق از متهمان علیرغم استقلال قضایی دادسرا موکول به تأیید شعبه مقدماتی خواهد بود. پس از تأیید درخواست، دادستان اختیار انجام تحقیقات مقدماتی از قبیل جمع‌آوری مستندات و ادله، احضار متهم یا جلب وی، تحقیق از قربانیان، شهود و مطلعان را خواهد داشت.

واژگان کلیدی: تحقیق، تعقیب، جنایات بین‌المللی، دادستان، دیوان کیفری بین‌المللی.

Received: 2022/05/22 - Review: 2022/07/22 - Accepted: 2022/08/27

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵

| |
|--|
| <p>ارجاع: خالقی، ابوالفتح؛ حسینی، سید محمدصادق؛ (۱۴۰۱)، اختیارات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در تعقیب جنایات بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۱۱.</p> |
| <p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p> |
|  <p>CC BY-NC-SA</p> |
|  |

مقدمه

واکنش کیفری به جنایتکاران بین‌المللی مستلزم وجود نهادهای قضایی بین‌المللی توانمند و مستقل است (بی‌پروا و اسفندیار، ۱۳۹۶، ۱۱۲). برای مثال از جمله مصادیق و موضوعاتی که نیازمند واکنش قضایی بین‌المللی به منظور اجرای عدالت است جنایات ارتكابی در زمان وقوع و رخداد جنگ غزه و اقدام رژیم صهیونیستی در حصر غزه و کشتار غیرنظامیان بود (رجبی، ۱۳۹۴، ۳۰۸). اعمال صلاحیت کیفری توسط دیوان به عنوان یک مرجع دائمی و نیز از سوی محاکم کیفری ملی می‌تواند در مقابله و پیشگیری از جنایات بین‌المللی، نقشی سازنده ایفا کند (مؤمنی، ۱۳۹۶، ۱۷۰). به همین منظور، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با پیوستن شصت دولت لازم الاجرا شد (موسی زاده و فروغی‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۶۹). در این میان دادستان نقش اصلی در شروع رسیدگی را بازی می‌کند. وی وظیفه جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جرایمی را که در صلاحیت دیوان است به عهده دارد. او همچنین، عهده‌دار هدایت تحقیقات مقدماتی، تعقیب، تهیه کیفرخواست و دفاع از آن است. علاوه بر موارد فوق، دادستان حق جمع‌آوری ادله، اخذ اظهارات شهود و همچنین حق احضار و جلب متهمان را دارد.

۱- اهداف و حدود صلاحیت دادستان دیوان در تعقیب

۱-۱- اهداف

اولین هدف دادستان صیانت از مصالح جامعه بین‌الملل می‌باشد. هدف دیگر دادستان دیوان، حفظ صلح و امنیت بین‌الملل است. این هدف در مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تأکید شده است. همچنین

تأمین حقوق قربانی و متهم از دیگر اهداف است. مستنداً به بند ۱ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به دیوان تکلیف شده تا اقدامات مناسب را جهت حفظ امنیت و سلامت جسمی و روحی قربانی انجام دهد و بند الف از قسمت یک ماده ۵۴ اساسنامه، دادستان را مکلف کرده تا در زمان بررسی قرائن و ادله مجرمیت علیه متهم، همزمان قرائن و دلایلی را که به نفع آنان نیز می‌باشد بی‌طرفانه مورد تحقیق قرار دهد (غلامی و رستمی غازانی، ۱۳۹۲، ۶۰) و (نژندی‌منش و آموزگار، ۱۳۹۶، ۱۶۰). همچنین دادستان دیوان جهت تشخیص تعقیب صحیح از تعقیب ناموجه مطابق ماده ۵۳ اساسنامه، اطلاعاتی که در اختیارش گذاشته شده را ارزیابی نموده و سپس تحقیقات خویش را آغاز خواهد کرد.

۱-۲- حدود صلاحیت

۱-۱-۲- جنایات قابل تعقیب توسط دادستان

نظر به اهمیت جرائم جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی برای جامعه بین‌الملل این جنایات در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار گرفته‌اند (میرمحمدی، ۱۳۸۸، ۱۴۵). از این‌رو صلاحیت دادستان دیوان محدود به چهار گروه از جنایات با ماهیت حقوق بشر دوستانه شامل نسل‌کشی، جنایات بر ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز است (رجبی، ۱۳۹۴، ۳۱۰). البته می‌توان اذعان داشت که کماکان حقوق بین‌الملل کیفری با مشکلی تحت عنوان فقدان قانونی بودن مجازات‌ها دست به گریبان است (رحمانیان و پیری، ۱۳۹۲، ۵۳). نکته قابل ذکر اینکه در خصوص رکن روانی جنایات (ماده ۳۰ اساسنامه رم) این اساسنامه نخستین سند بین‌المللی است که مستقیماً به موضوع رکن روانی جنایات پرداخته است (قیاسی و محترم قلاتی، ۱۳۹۶، ۱۵۵).

در خصوص جنایت تجاوز، پذیرش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کنفرانس ۱۹۹۸ رم مقدمه‌ای بود که جنایت تجاوز را به عنوان یکی از جنایات بین‌المللی، مشمول صلاحیت این دیوان قرار داد (سودمندی، ۱۳۹۵، ۱۲۷). توضیح آنکه به طور کلی تجاوز در دو حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت کیفری فردی مورد بحث قرار می‌گیرد (دارابی نیا و فروغی نیا، ۱۳۹۴، ۱۶۶). جنایت دیگر که قابل تعقیب توسط دادستان در دیوان می‌باشد، جنایات جنگی است. تمایز قائل شدن بین جرایم جنگی داخلی و بین‌المللی در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ آن به اوج خود رسید (سید زاده ثانی و فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۳، ۶۸).

دو پیش‌شرط مهم که تعیین‌کننده صلاحیت دادستان و رسیدگی در دیوان است باید محقق شود تا

دادستان دیوان بتواند صلاحیت خود را اعمال نماید: «نخست، دادستان نتیجه بگیرد که «مخاصمه مسلحانه» شدت و سازمان‌یافتگی لازم را داشته است. دوم، وجود اهمیت و شدت آستانه قابلیت پذیرش جداگانه برای اعمال صلاحیت دادستانی دیوان در پرونده است» (آلامودین و وب، ۱۳۹۱، ۲۳۵).

مورد دیگر از صلاحیت‌های دادستان برای تعقیب، جنایات علیه بشریت است. اولین استفاده تخصصی از اصطلاح جنایت علیه بشریت در منشور نورنبرگ بود (موسوی، ۱۳۹۷، ۴۳۰). اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به نحوی با گسترش دامنه جرم‌انگاری، نقض برخی از مقررات حقوق بشر دوستانه را در زیرمجموعه جنایات علیه بشریت محسوب نموده که در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو وجود ندارند (سلیمانی، ۱۳۹۷، ۱۰۹). در تعریف جنایات علیه بشریت می‌بایست گفت جنایاتی هستند که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابند (موسوی، ۱۳۹۷، ۴۲۷). در این زمینه می‌توان بحران دارفور را نام برد. این بحران ناشی از چندین عامل از جمله خشکسالی، رشد جمعیت، بیابان‌زایی، فرصت طلبی سیاسی و سیاست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (بخشی، ۱۳۹۰، ۲۲۲) و همچنین موقعیت حساس کشور سودان است (البدیری، ۲۰۰۹، ۲۱۰). مسئله دیگری که نقش عمده‌ای در این بحران داشت پیچیدگی‌های سیاسی مناقشه دارفور بود. بدون رضایت دولت سودان، احتمالاً دخالت نظامی یک جانبه می‌توانست منجر به کاهش امنیت بخش اعظم جمعیت غیرنظامی دارفور و عدم دسترسی سازمان‌های بشردوستانه به منطقه گردد (جباری و حاضر وظیفه قره باغ، ۱۳۹۰، ۲۳۴). بر پایه آمارهای سازمان ملل متحد در نتیجه درگیری‌های دارفور بیش از دویست هزار نفر کشته و حدود دو و نیم میلیون نفر آواره شده‌اند (بالازاده، ۱۳۸۶، ۶۷). با اوج گرفتن درگیری‌ها در سودان، کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد اظهار داشت که پس از ملاقات با وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده که می‌بایست بر دولت سودان فشار وارد کرده تا شبه نظامیان عرب را خلع سلاح کنند (قادری، ۱۳۸۳، ۴۵). از این رو اقدامات تعقیبی دادستان در قضیه دارفور با ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان آغاز گردید.^۱ به درخواست دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۰۹ و در اقدامی بی‌سابقه قرار جلب رئیس جمهور سودان صادر شد که از مهم‌ترین اتهامات وی ارتکاب جنایت علیه بشریت در کنار سایر اتهامات بود.^۲

1- United Nations Security Council Resolution 1593, S/RES/1593, 2005.

2- FOR THESE REASONS, HEREBY ISSUES: A WARRANT OF ARREST for OMAR AL BASHIR, a male, who is a national of the State of Sudan, born on 1 January 1944 in Hoshe

۲-۱-۲- نحوه اعمال صلاحیت دادستان دیوان

به نظر می‌رسد هرچه سیستم‌های رسیدگی به اتهامات متهمان به جنایات بین‌المللی پیچیده‌تر می‌شود، حقوق متهمان کمتر مورد تضییع واقع می‌گردد (خلجی، ۱۳۸۶، ۲۱). پیش از ورود به بحث باید توجه داشت که دولت‌ها، در درجه اول، مسئولیت سرکوب جنایات را بر عهده دارند و دیوان فقط زمانی صالح است که دولت‌ها از محاکمه جنایتکاران امتناع کرده یا ناتوان از این کار باشند. در واقع، این دیوان است که معیارهای مزبور را بررسی و ارزیابی می‌نماید (دله، ۱۳۷۸، ۳۰۴). تکمیلی بودن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و دادستان دیوان در اساسنامه رم با شناسایی اولویت برای دادگاه‌های ملی، این هدف را دنبال می‌کند که جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشردوستانه که ذیل عنوان یکی از جنایات بین‌المللی قابل پیگرد هستند، بی‌کیفر باقی نمانند (حسینی اکبرنژاد، ۱۳۸۸، ۱۴۲).

۲- معیارهای تعقیب توسط دادستان

اعمال صلاحیت دادستان دیوان در آغاز تحقیقات و انجام آن موکول به لحاظ کردن پیش شرط‌های اساسی یا ملاک‌های تعیین‌کننده است. این ملاک‌ها عبارتند از قابلیت پذیرش موضوعات با قرائن اساسی، احراز منافع عدالت در انجام تحقیق یا تعقیب و سرانجام وجود مبنای معقول در شروع و پیگیری اقدامات تعقیبی. احراز یا عدم احراز هر یک از معیارهای مزبور نقش اساسی در اعمال صلاحیت دادستان نسبت به اتهامات انتسابی به متهمان و تعقیب آن‌ها دارد. شعبه مقدماتی دیوان نیز در درستی احراز دادستان یا نادرستی آن نظارت قضایی دارد و می‌تواند با اعلام رأی نسبت به تصمیمات یا تشخیص دادستان واکنش نشان دهد. از این حیث ممکن است رأی یا عقیده دادستان را در اعمال یا عدم اعمال صلاحیت تأیید کند یا آن را مردود اعلام دارد.

۲-۱- قابلیت پذیرش موضوعات با قرائن اساسی

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در سه حالت می‌تواند اعمال صلاحیت نماید و از وقوع جرایم در

Bannaga, Shendi Governorate, in the Sudan, member of the Jaali tribe of Northern Sudan, President of the Republic of the Sudan since his appointment by the RCC-NS on 16 October 1993 and elected as such successively since 1 April 1996 and whose name is also spelt Omar al-Bashir, Omer Hassan Ahmed El Bashire, Omar al-Bashir, Omar al-Beshir, Omar el-Bashir, Omer Albasheer, Omar Elbashir and Omar Hassan Ahmad el-Beshir. Dated this Wednesday, 4 March 2009 at The Hague, The Netherlands No. ICC-02/05-01/09

صلاحیت دیوان آگاه و رسیدگی به آن‌ها را آغاز نماید. نخست، در صورتی که یک دولت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته، به موجب ماده ۱۴ به دادستان ارجاع نماید؛ دوم، شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید؛ نظیر قطعنامه ۱۵۹۳ که در واقع اولین وضعیت ارجاعی از جانب شورای امنیت به دیوان است و در راستای فصل هفتم منشور است که شامل اقدامات ناقص صلح و امنیت بین‌المللی است.

بر همین اساس، شورای امنیت در قطعنامه ۱۵۹۳ با توجه به گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق احراز کرد که وضعیت موجود در سودان، صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکنده است (آقای جنت مکان، ۱۳۸۸، ۹۹). بنابراین دو ماه پس از گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق و توصیه این کمیسیون مبنی بر ارجاع فوری وضعیت دارفور سودان به دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۳۱ مارس ۲۰۰۵ به موجب قطعنامه ۱۵۹۳ و بر طبق بند (ب) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان و با احراز این امر که بحران موجود در دارفور سودان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، وضعیت دارفور سودان را به دادستان دیوان ارجاع داد (آقای جنت مکان، ۱۳۸۸، ۹۲). مورد سوم زمانی است که دادستان تحقیقاتی را به موجب ماده ۱۵ اساسنامه در مورد آن جنایت شروع نموده باشد (ماده ۱۳ اساسنامه) (آقای جنت مکان، ۱۳۸۷، ۲۵۲). پس دادستان رأسی می‌تواند تحقیقاتی را در باب جنایات تحت صلاحیت شعب فوق‌العاده آغاز کند و یا این که بر طبق اطلاعاتی که وی دریافت می‌کند، تحقیقات را شروع نماید (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۲، ۱۰۸). همچنین بر طبق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان «شورای امنیت» می‌تواند در مواردی که احتمال ارتکاب یک یا چند جنایت به نظر می‌رسد، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۲، ۱۱۴).

ذکر این نکته لازم است که به موجب اصل اثر نسبی معاهدات، اساسنامه تنها نسبت به کشورهای عضو لازم‌الاجراست و دولت‌های غیرعضو علی‌الاصول تعهدی نسبت به اجرای مفاد آن ندارند (سیرغانی و ربیع، ۱۳۹۶، ۳۷). همچنین دادستان قادر است در هنگام درخواست مجوز برای شروع تحقیقات از شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی به موجب ماده ۱۵ اساسنامه، نظرات بزه‌دیده را به سمع قضات دیوان برساند (صالحی، ۱۳۹۴، ۲۶۵).

۲-۲- منافع عدالت

یکی از مفاهیم چالش برانگیز در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مفهوم منافع عدالت مندرج در قسمت (ج) بند یک و بند دو ماده ۵۳ اساسنامه است (ساعدی و صادقی، ۱۳۹۷، ۲۶۷). نظریه عدالت به ویژه ابعاد ترمیمی آن یکی از دیدگاه‌های نوین در عرصه دادرسی کیفری است که با تأکید بر نقش بزه‌دیده و بزه‌کار، بر این اعتقاد است که در راستای تأمین عدالت می‌بایست از بزه‌دیدگان نظیر دعاوی مدنی، حمایت نمود (غلامی و رستمی‌غازانی، ۱۳۹۲، ۶۰). در دیوان کیفری بین‌المللی به صراحت به قدرت تشخیص دادستان مستند به مفهوم منافع عدالت اشاره شده است.

۲-۳- مبنای معقول

دادستان دیوان بر اساس شدت یک واقعه، در انتخاب آن موقعیت برای تعقیب تصمیم‌گیری می‌کند (جانی پور و خانعلی پور واجارگاه، ۱۳۹۱، ۴۴). توضیح آنکه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، معیارهایی مقرر شده که بررسی هر وضعیت اتهامی، مستلزم احراز آن‌ها است. این معیارها که مبنای آن‌ها بر معقولیت بنیان نهاده شده است؛ به این معنا است که باید مبنا یا قرائن معقولی باشد تا بتوان مضمونی را به دادستانی معرفی یا به شعب مقدماتی احضار کرد. بنابراین در این مرحله دادستان باید وجود «مبنای معقول» را احراز کند و در آن صورت است که شعبه مقدماتی با اعمال نظارت قضایی خود نسبت به انجام تحقیقات جامع و تعقیب مرتکبان تصمیم خواهد گرفت (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۸، ۸۷). باید توجه داشت که در جریان بررسی صورت گرفته از مجموعه مقررات کیفری بین‌المللی اعم از قواعد دیوان‌های اختصاصی و اسناد دیوان کیفری بین‌المللی چهار قسم از کیفیات مشدده قابل احصاء می‌باشد: بی‌رحمی و خشونت بزه‌کار در حین ارتکاب جنایت؛ موقعیت اجتماعی مجرم بین‌المللی، وضعیت روانی وی؛ رفتارهای او پس از ارتکاب جرم.

۳. فرآیند تحقیقات مقدماتی، احضار و جلب متهمان توسط دادستان دیوان

۳-۱- تحقیقات مقدماتی

۳-۱-۱- بررسی‌های مقدماتی توسط دادستان

طبق ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دفتر دادستانی صلاحیت‌های مهمی همچون بررسی وضعیت‌های ارجاع شده توسط دول عضو اساسنامه یا شورای امنیت، دریافت، بررسی جدید بودن و

وثاقت اطلاعات واصله در مورد یک وضعیت، درخواست همکاری از دولت‌ها یا از سازمان ملل متحد، بررسی و ارزیابی وجود مبنای مقبول برای آغاز تحقیقات و درخواست مجوز از شعبه مقدماتی و غیره را بر عهده دارد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۸، ۸۸).

۲-۱-۳- درخواست انجام تحقیق مقدماتی و تعقیب متهم از شعبه مقدماتی

شروع به انجام این تحقیقات مستلزم اقدام قضایی شعبه مقدماتی است. اساسنامه دیوان برای تضمین یک عدالت کیفری، یک شعبه مقدماتی، را پیش‌بینی کرده است. این شعبه دارای اختیارات مهمی است از جمله صدور مجوز برای مواردی است که دیوان رآسا (از طریق دادستان) قصد رسیدگی به قضیه‌ای را دارد یا نظارت بر مرحله بازپرسی می‌باشد (دله، ۱۳۷۸، ۳۰۵). در خصوص چگونگی نظارت شعبه مقدماتی می‌بایست گفت دادستان می‌تواند تحقیق را در قلمرو هر کشور انجام دهد؛ مشروط بر آنکه شعبه مقدماتی با رعایت قسمت (۱) بند (۳) ماده ۵۷ اساسنامه رم که اشعار می‌دارد: «برحسب تقاضای دادستان، فرامین و احکام جلب مورد نیاز به منظور انجام تحقیقات را صادر نماید»، انجام تحقیق را تجویز کرده باشد. توضیح آنکه طبق بند (۲) ماده ۵۴، «دادستان می‌تواند در قلمرو یک کشور: الف- مطابق مقررات بخش ۹؛ ب- به ترتیبی که طبق بند «د» از قسمت ۳ ماده ۵۷ توسط دادگاه مقدماتی مجاز گردیده است، به انجام تحقیقات پردازد.»

از لحاظ آئین رسیدگی شکلی و قواعد دادرسی و ادله، دادستان باید در زمان معقولی (ظرف سی روز) برای شعبه مقدماتی، توصیفی کامل و مفصل از اتهامات انجام دهد و نیز فهرست ادله‌ای که در این مرحله، قصد استناد به آن را دارد، ارائه دهد (ماده (۳) ۶۱ و ماده (۳) ۱۲۱). همچنین سازوکار دیگر نظارت بر دادستان، برگزاری جلسه مربوط به تأیید اتهامات از سوی شعبه مقدماتی قبل از برگزاری جلسه محاکمه است. بدین نحو که دادستان پس از انجام تحقیقات با در نظر گرفتن وجود یا فقدان دلایل اقناع‌کننده جهت شروع به رسیدگی، درخواست تأیید اتهامات می‌نماید (خالقی، ۱۳۹۹، ۸۹). این جلسه به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آن‌ها را تقاضا کرده، تشکیل می‌شود. به شیوه مزبور نظام «تأیید اتهامات» گفته می‌شود. به موجب بند یک ماده ۶۱ اساسنامه دیوان، در صورتی که متهم به دیوان تحویل شده و یا داوطلبانه در دیوان حضور یافته است، شعبه مقدماتی موظف است جلسه‌ای به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آن‌ها را درخواست کرده، تشکیل دهد. این جلسه با حضور دادستان، متهم و وکیل وی تشکیل خواهد شد. در غیر این صورت جلسه بدون حضور متهم خواهد بود؛ نظیر بحران

دارفور که در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۸ دادستان دیوان، صدور حکم جلب رئیس جمهور سودان و تعداد دیگری از مقامات این کشور را از شعبه مقدماتی دیوان درخواست کرد. در ۲۱ آوریل ۲۰۰۵ رئیس دیوان، قاضی «فیلیپ کرش»، با صدور قرارى با استناد به درخواست دادستان دیوان و ماده ۱۷ موافقتنامه منعقد میان دیوان و نیز مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه و با توجه به بند ۲ ماده ۴۶ توافقنامه سازمان ملل متحد و دیوان، وضعیت دارفور را به شعبه اول مقدماتی ارجاع داد (آقای جنت مکان، ۱۳۸۸، ۹۲).

۳-۱-۳- اعتراض به قرار رد درخواست تحقیق توسط شعبه مقدماتی

مطابق بند ۴ ماده ۱۸ اساسنامه دیوان، تصمیمات شعبه مقدماتی قابل اعتراض می‌باشد. دادستان در چنین مواردی می‌تواند تجدیدنظرخواهی نموده و مرجع تجدیدنظر نیز بخش تجدیدنظر دیوان خواهد بود که از طریق شعبه استیناف انجام می‌شود (خالقی، ۱۳۹۹، ۱۵۶).

۳-۲- عدم تعقیب متهم

با عنایت به مواد ۱۵ و ۵۳ اساسنامه دادستان با توجه به مواردی نظیر اهمیت جنایت ارتكابی، منافع بزه‌دیدگان، سن و ناتوانی متهم و نقش و سهم وی در ارتكاب جنایت می‌تواند به لحاظ عدم وجود دلیل کافی برای تعقیب، از تعقیب متهم صرف‌نظر نماید (خالقی، ۱۳۹۹، ۴۱). در این زمینه برای مثال می‌توان از پرونده متهم «مباروشیمان» نام برد که طی آن اتهامات این شخص تأیید نگردید و پرونده به دادگاه ارسال نگردید و آقای «مباروشیمان» در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱ از زندان آزاد گردید. وی که به پنج مورد از جنایات علیه بشریت و هشت مورد از جنایات جنگی در سال ۲۰۰۹ در کیووس متهم شده بود، در خصوص وی اقدامات تعقیبی اعمال نشد.

۳-۳- درخواست احضار و جلب متهم

با شروع تحقیقات و پس از تأیید حکم جلب یا احضار متهم از سوی شعبه مقدماتی، دستورات قضایی در خصوص متهم توسط دادستان به اجرا گذاشته می‌شود. با تقاضای صدور دستور جلب و احضار، قصد دادستان بر این است که جرم واقع شده در صلاحیت دیوان را به شخص مظنون منتسب و مسئولیت کیفری وی را تعیین کند (خالقی و ساعدی، ۱۳۹۷، ۲۳۱). همچنین دادستان می‌تواند به جای درخواست صدور دستور بازداشت، از شعبه مقدماتی درخواست صدور دستور احضار شخص را بنماید (بند ۷ ماده ۵۸ اساسنامه).

در این خصوص می‌توان به تنش میان دیوان کیفری بین‌المللی و اتحادیه آفریقا در رابطه با

کیفرخواست عمرالبشیر اشاره نمود. توضیح آنکه این درگیری و تنش از زمانی شدت گرفت که تحقیقات دادستان، پس از ارجاع وضعیت دارفور از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، منتهی به صدور حکم جلب عمر البشیر رئیس‌جمهور در حال خدمت سودان شد. دادستان دیوان در تاریخ ۱۴ جولای ۲۰۰۸ از شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی، صدور حکم جلب عمر البشیر رئیس‌جمهور سودان را به اتهام نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی علیه گروه‌هایی از مردم در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ درخواست کرد (صالحی، ۱۳۹۶، ۲۳۳). در نهایت در خصوص اتهامات وارده علیه عمر البشیر مبنی بر ارتکاب جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی و تقاضای دادستان مبنی بر صدور دستور جلب برای وی، قضات شعبه متفقاً پذیرفتند که قرائن معقول برای باور به این که عمر البشیر، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در منطقه دارفور مرتکب شده است، وجود دارد. اما در خصوص اتهام نسل‌کشی، آن را وارد ندانستند (خالقی و ساعدی، ۱۳۹۷، ۲۳۳). به تعبیر یکی از نویسندگان، «اقدام جسورانه دیوان در صدور قرار جلب رئیس دولت سودان بسیار قابل تحسین بوده و شگفت آور نیست که دیدگان جهانیان و به خصوص قربانیان جنایات متعددی با ولع تمام نظاره‌گر سرانجام این پرونده باشد.» (سواری، ۱۳۹۰، ۲۶۳). علیرغم تمام این موارد می‌توان گفت عملکرد تبعیض‌آمیز سازمان ملل متحد در خصوص بحران دارفور به نسبت بحث سرزمین‌های اشغالی و باریکه غزه به این دلیل است که این نهاد در عمل بسیار تحت تأثیر کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا می‌باشد. شورای امنیت سازمان ملل متحد در عمل نیز در استقرار صلح در کشور سودان ناموفق بود (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۵۳).

۳-۴- درخواست تأیید اتهامات برای ورود به مرحله دادرسی

دادستان در جلسه تأیید اتهام و بر اساس ماده (۳) ۱۲۱ قانون آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری مکلف است لیست دلالتی را که او قصد استناد به آن‌ها را در توجیه کیفرخواست دارد، حداقل سی روز قبل از شروع جلسه به متهم یا وکیل مدافع وی ارائه کند (صالحی، ۱۳۹۷، ۵۰). همچنین افشای دلالت تبرئه‌کننده از سوی دادستان معمولاً به تشخیص خود او صورت می‌گیرد (صالحی، ۱۳۹۴، ۵۳). برای مثال یکی از دلایل تبرئه‌کننده در حقوق بین‌الملل کیفری که موضوع آن مهم‌ترین جنایات بین‌المللی است، امکان استفاده از دفاع دستور مافوق است (صلاحی، ۱۳۹۳، ۲۴). دادستان صلاحیت انحصاری تعیین اتهام را در جلسه تأیید اتهامات بر عهده دارد. اصلاح اتهامات بر اساس ماده (۹) ۶۱ اساسنامه نیز از اختیارات دادستان است؛ البته منوط به رعایت تشریفات قانونی یعنی درخواست تجدید جلسه تأیید

اتهام برای رعایت مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در حق متهم است.

ضرورت بررسی اولیه برای شروع به تحقیقات اصلی در ماده ۱۵ اساسنامه دیوان پیش بینی شده است و مختص مواردی است که دادستان به ابتکار خود تصمیم شروع به رسیدگی می‌گیرد. همچنین، دادستان حق انجام تحقیقات مقدماتی نظیر جمع‌آوری ادله، احضار شهود و قربانیان را نیز دارد. دادستان می‌تواند همکاری دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی را جلب نماید و موافقتنامه‌هایی را با کشورها مطابق بند یک ماده ۵۴ اساسنامه منعقد نماید و تعهداتی برای محرمانه ماندن اطلاعات و عدم افشاء آن‌ها بپذیرد. ماده ۱۵ اساسنامه مقرر داشته است که دادستان می‌تواند بر اساس اطلاعات در دسترس، در خصوص جرایم در صلاحیت دیوان، به تشخیص خود، شروع به تحقیق کند. چنانچه دادستان نتیجه بگیرد که مبنای معقولی برای اقدام به تحقیق وجود دارد، باید درخواستی به شعبه مقدماتی مبنی بر تجویز تحقیق ارائه کند. اگر شعبه مقدماتی پس از بررسی درخواست دادستان، همانند دادستان به این نتیجه برسد که مبنای معقولی برای اقدام به تحقیق وجود دارد، مجوز تحقیق را صادر خواهد کرد. هدف از استقرار مبنای معقول برای اقدام به تحقیق برای دادستان و شعبه مقدماتی این است که دیوان از اقدام به تحقیقات با انگیزه سیاسی، بیهوده و ناموجه منع شود (خالقی و ساعدی، ۱۳۹۷، ۲۳۰). چنانچه دادستان بر اساس بندهای (الف) و (ج) ماده ۱۳ یا ماده ۱۵ اساسنامه تحقیقاتی را آغاز نماید، باید (این تصمیم را) به کلیه دولت‌های عضو و دولت‌هایی که با توجه به اطلاعات موجود معمولاً بر آن جنایات اعمال صلاحیت می‌نمایند، اعلام کند (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۸، ۲۳۷). این تعهد دادستان بر افشای دلایل تیره کننده، از لوازم حقوق دفاعی متهم و برخورداری وی از معیارهای دادرسی عادلانه است. با وجود این، دادستان به جمع‌آوری و افشای دلایل علیه متهم اکتفا می‌کند و از جمع‌آوری و افشای دلایل تیره کننده خودداری می‌کند. دادستان با این اقدام، مؤلفه‌های دادرسی عادلانه را در حق متهم مخدوش می‌کند. در حالی که حق آگاهی از دلایل در اختیار دادستان، جلوه‌ای از دادرسی عادلانه است که در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد (صالحی، ۱۳۹۶، ۱۵۸).

نتیجه

صیانت از مصالح جامعه بین‌الملل، حفظ صلح و امنیت بین‌الملل، تأمین حقوق قربانی و متهم و تفکیک اتهامات روا از تعقیبات ناروا اهداف مهم دادستان دیوان کیفری بین‌المللی است. در این راستا مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جرایم در صلاحیت دیوان، بر عهده دادستان نهاده شده است. علاوه بر

موارد فوق، دادستان حق جمع آوری ادله، اخذ اظهارات شهود و همچنین حق احضار و جلب متهمان را دارد. انتخاب هر وضعیت و آغاز تحقیقات و بررسی اولیه آن با توجه به گزارش‌ها، اسناد، قرائن و شواهد صورت می‌گیرد. این اقدامات و صلاحیت دادستان در خصوص جرایم مهمی شامل جنایت نسل‌کشی، جنایات بر ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز می‌باشد که امنیت بین‌الملل را به صورت اساسی خدشه‌دار می‌نماید. در این صورت دادستان باید وجود «مبنای معقول»، «منافع عدالت» یا «قرائن اساسی و مهم» را احراز کند تا شعبه مقدماتی با اعمال نظارت قضایی خود نسبت به انجام تحقیقات جامع و تعقیب مرتکبان تصمیم بگیرد.

در خصوص تعقیب و مجازات متهمان نیز چهار دسته کیفیات مشدده شامل بی‌رحمی و خشونت بزهدکار؛ موقعیت اجتماعی مجرم بین‌المللی، وضعیت روانی وی؛ و رفتارهای او پس از ارتکاب جرم وجود دارند که مبنای احراز دادستان خواهند بود. هر زمان دادستان رأساً اطلاعاتی را در مورد ارتکاب جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دست آورد، اختیار دارد تا تحقیقات خود را آغاز نماید. اگر دادستان با توجه به اطلاعاتی که به دست می‌آورد مبنای مستدلی برای تحقیق بیابد صلاحیت دارد تا درخواستی را به ضمیمه کلیه اسناد و مدارک مثبت‌های که جمع آوری کرده، برای اخذ مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی تسلیم نماید. همچنین، دادستان حق انجام تحقیقات مقدماتی نظیر جمع آوری ادله، احضار شهود و قربانیان را نیز دارد. در مرحله صدور دستور جلب و احضار، دادستان ادله‌ای در اختیار دارد که بر اساس آن، می‌تواند هویت شخص مظنون را آشکار کند. بدین ترتیب، با تقاضای صدور دستور جلب و احضار، قصد دادستان بر این است که جرم واقع شده در صلاحیت دیوان را به شخص مظنون منتسب و مسئولیت کیفری وی را تعیین کند. این وظیفه بر عهده دادستان قرار گرفته است که به صورت توأمان به افشای دلایل له و علیه متهم بپردازد. با وجود این، دادستان به جمع آوری و افشای دلایل علیه متهم اکتفا می‌کند و از جمع آوری و افشای دلایل تبرئه‌کننده استنکاف می‌نماید.

خودداری از تعقیب متهم نیز در مواردی به لحاظ وضعیت متهم و نوع ارتکاب جرم که به تشخیص دادستان تعقیب مناسب نداشته باشد، همچنین اعتراض به قرار رد درخواست تحقیق توسط شعبه مقدماتی از دیگر اختیارات دادستان است. دادستان صلاحیت انحصاری تعیین اتهام را در جلسه تأیید اتهامات دارد. اصلاح اتهامات نیز از اختیارات دادستان است که منوط به رعایت تشریفات قانونی یعنی درخواست تجدید جلسه تأیید اتهام برای رعایت مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در حق متهم است. این صلاحیت تا

مرحله محاکمه نیز ادامه دارد مگر این که دادستان اتهامات را استرداد کند. البته اختیار دادستان پیوسته تحت نظارت عالی یک ارگان قضائی دیوان (شعبه مقدماتی) می‌باشد. دستورات قضائی له یا علیه متهم با شروع تحقیقات و پس از تأیید حکم جلب یا احضار متهم از سوی شعبه مقدماتی توسط دادستان به اجرا گذاشته می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آقایی جنت مکان، حسین، ۱۳۸۸، ارزیابی احتمال تعلیق وضعیت دارفور سودان از سوی شورای امنیت، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۱.

- آقایی، جنت مکان، حسین، ۱۳۸۷، نظارت قضائی بر تشخیص دادستان دیوان بین‌المللی کیفری، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۳۹.

- آلامودین، امل و وب، فیلیپا، ۱۳۹۱، گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات جنگی موضوع ماده ۸ اساسنامه، ترجمه حسین آقایی جنت مکان، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ویژه‌نامه.

- بالازاده، زهره، ۱۳۸۶، ریشه‌ها و پیامدهای نقض حقوق انسانی در دارفور، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۲۳۹-۲۴۰.

- بخشی، احمد، ۱۳۹۰، تحلیل پدیده‌های جغرافیایی و سیاسی در شکل‌گیری بحران دارفور، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، شماره ۲.

- بی‌پروا، امیر و اسفندیار، حسن، ۱۳۹۶، دیوان کیفری بین‌المللی در مسیر عدالت جهانی، **فصلنامه علوم خبری**، شماره ۲۳.

- جانی پور، مجتبی و خانعلی پور واجارگاه، سکینه، ۱۳۹۱، چالش صلح و عدالت از منظر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۱.

- جباری، منصور و حاضر وظیفه قره باغ، جلیل، ۱۳۹۰، ارزیابی دکترین «مسئولیت حمایت» در بحران دارفور، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۵۸.

- حسینی اکبرنژاد، هاله، ۱۳۸۸، صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری: پویایی نظام‌های قضایی ملی در مقابله با بی‌کیفری، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۱.

- خالقی، ابوالفتح، ۱۳۹۹، **رژیم تعقیب و تحقیق جنایات بین‌المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- خالقی، ابوالفتح، ۱۳۹۹، **رژیم دادرسی جنایات بین‌المللی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- خالقی، ابوالفتح و ساعدی، زهرا، ۱۳۹۷، معیار معقول بودن در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و تبیین آن از سوی شعب مقدماتی، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۹.

- خلجی، منصوره، ۱۳۸۶، حمایت از حقوق متهمان به جنایات بین‌المللی در مرحله دادرسی، **دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۴۶.

- دارابی‌نیا، مرتضی و فروغی‌نیا، حسین، ۱۳۹۴، رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه جنایت تجاوز سرزمینی، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره اول.

- دله، ایو، ۱۳۷۸، دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه ابراهیم بیگ‌زاده، **تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۵ و ۲۶.

- رجبی، اسماعیل، ۱۳۹۴، نقش دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به جنایات رژیم صهیونیستی علیه غزه (جنگ ۲۲ روزه)، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، شماره ۲.

- رحمانیان، حامد و پیری، حیدر، ۱۳۹۲، بررسی کفرشناختی جنایات بین‌المللی، **مجله مطالعات حقوقی**، شماره ۲.

- رضانی قوام آبادی، محمدحسین، ۱۳۹۸، ابتکار دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای آغاز تحقیقات، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۶۸.

- رضانی قوام آبادی، محمدحسین، ۱۳۹۲، تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حسین هابره: یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین‌المللی، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۲.

- ساعدی، زهرا و صادقی، آزاده، ۱۳۹۷، بررسی مفهوم منافع عدالت در تعقیب جرائم در دیوان کیفری

بین‌المللی؛ با نگاهی بر سایر نظام‌های حقوقی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده**، شماره ۱.

- سلیمانی، رضا، ۱۳۹۷، بررسی تحلیلی مصادیق جنایت علیه بشریت از دیدگاه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، شماره ۳۰.

- سواری، حسن، ۱۳۹۰، ناسازواری عدالت و صلح در دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو پرونده عمرالبشیر (سودان)، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۵۸.

- سودمندی، عبدالمجید، ۱۳۹۵، چالش‌های حقوقی گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به جنایت تجاوز، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۱.
- سیدزاده ثانی، سیدمهدی و فرهادی آلاشتی، زهرا، ۱۳۹۳، جنایات جنگی در منازعه‌های داخلی و بین‌المللی، مبانی و مصادیق تمایز، **پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، شماره ۱.
- سیرغانی، محسن و ربیع، مهدی، ۱۳۹۶، فرصت‌ها و چالش‌های ایران و دیگر کشورهای اسلامی در مواجهه و پیوستن به دیوان کیفری بین‌المللی، **ماهنامه پژوهش ملل**، شماره ۱۸.
- صالحی، جواد، ۱۳۹۴، آثار بزه‌دیده‌شناسی بر حق مشارکت بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی کیفری، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۲.
- صالحی، جواد، ۱۳۹۴، بایسته‌ها و چالش‌های افشای دلایل؛ جلوه‌ای از حقوق دفاعی متهم در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۴۸.
- صالحی، جواد، ۱۳۹۶، چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در پیگیری پرونده رئیس‌جمهور سودان: از مخالفت اتحادیه آفریقا تا عدم همکاری کشورهای عضو اتحادیه، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۷۵.
- صالحی، جواد، ۱۳۹۶، حق آگاهی متهم از دلایل تبرئه‌کننده در اختیار دادستان (از الگوی ساده دیوان عالی ایالات متحده تا تکامل مفید در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی)، **آموزه‌های حقوق کیفری**، شماره ۱۳.
- صالحی، جواد، ۱۳۹۷، نقدی بر جایگاه برتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در اثبات جرائم، **فصلنامه جستارهای حقوق عمومی**، شماره ۴.
- صلاحی، سهراب، ۱۳۹۳، سربازان آمریکایی و دفاع دستور مافوق در ارتکاب جنایات بین‌المللی در اشغال عراق، **دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی**، شماره ۷.
- غلامی، حسین و رستمی غازانی، امید، ۱۳۹۲، زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، **پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۴.
- قادری، سیدنعمت‌الله، ۱۳۸۳، بررسی ریشه‌های بحران دارفور سودان و واکنش قدرت‌ها، سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، **فصلنامه مطالعات آفریقا**، شماره ۹.
- قیاسی، جلال‌الدین و محترم قلاتی، ایمان، ۱۳۹۶، تحلیل عنصر محور رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، **پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۲۱.
- موسوی، سیده مریم، ۱۳۹۷، جنایات علیه بشریت در نسل‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری با تأکید بر دادگاه

یوگسلاوی سابق، **فصلنامه قانون یار**، شماره ۸

- موسی زاده، رضا و فروغی نیا، حسن، ۱۳۹۱، تعریف جنایت تجاوز در پرتوی قطعنامه کنفرانس بازنگري اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در کامپالا (ژوئن ۲۰۱۱)، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۶۳.
- مؤمنی، مهدی، ۱۳۹۶، ارزیابی اعمال صلاحیت جزایی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی داعش در سوریه و عراق، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۱.
- میرمحمدی، معصومه سادات، ۱۳۸۸، تأثیر تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بر جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی دولت‌ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آن‌ها، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۱.
- نژندی‌منش، هیبت‌الله و آموزگار، شهریار، ۱۳۹۶، جایگاه بزه‌دیده در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، **فصلنامه قضاوت**، شماره ۹۱.

عربی

- البدیری، ایاد عاید والی، ۲۰۰۹، **مشکله دارفور، أسبابها و نتائجها دراسه فی الجغرافیه السیاسیه**، کلیه الآداب، المجلد الثاني عشر، العدد ۱، جامعه القادسیه.

لاتین

- United Nations Security Council Resolution 1593, S/RES/1593, 2005.